فصلنامه رویکردهای پژوهشی نو در علوم مدیریت

شماره ۲۹،
دوره نهم،
سال هفتم،
تابستان ۱۴۰۲
صص ۱-۱۴

نقش بودجه‌بندی عملیاتی در بهبود مدیریت خرید در سازمان‌ها

امیر ضیایی نجف‌آبادی[۱]

چکیده:

هدف از نگارش مقاله حا ضر، برر سی نقش بودجه‌بندی عملیاتی در بهبود مدیریت خرید در سازمان‌ها می‌با شد. امروزه بود جه‌بندی عملیاتی در ســـازمان ها نقش مهمی در بهبود مدیر یت خر ید و ایجاد بهره‌وری در فرآیند خر ید دارد. بودجه‌بندی عملیاتی به ســازمان‌ها امکان می‌دهد تا منابع مالی را به طور اســتراتژیک تخصــیص دهند و برنامه‌ریزی‌های خرید خود را بر اســـاس اهداف اســـتراتژیک و نیازهای عملیاتی طراحی کنند. این رویکرد مدیریتی علاوه بر کاهش هدررفت های مالی، ارتقای کارایی و بهره‌وری در فرآیند خرید را نیز به همراه دارد. بودجه‌بندی عملیاتی به ســـازمان‌ها کمک می‌کند تا برنامه‌ریزی دقیق‌تری در خرید و تأمین مواد و خدمات انجام دهند. با تخصیص مبلغ مشخصی برای هر بخش از عملیات خرید، ســـازمان‌ها می‌توانند دقیق تر تعیین کنند که کدام موارد اولویت بالاتری دارند و به کدام منابع بیشـــتری نیاز دارند. بنابراین، بودجه‌بندی عملیاتی می‌تواند به بهبود فرآیند تصـــمیم‌گیری در خرید و همچنین بهره‌وری بهره بخشد. لذا به دلیل اهمیت نقش بودجه‌بندی عملیاتی در بهبود مدیریت خرید در سازمان‌ها به این مهم پرداخته شد و در انتهای مقاله نیز پیشنهادهایی کاربردی در رابطه با موضوع ارائه شد.

واژگان کلیدی: بودجه‌بندی عملیاتی، بهبود مدیریت، سازمان، مدیریت خرید

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مدیریت دولتی، دانشکده علوم انسانی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران (surena.zz14@gmail.com)

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-09-18]

۱-مقدمه:

امروزه، با افزایش رقابت در بازارهای جهانی و پویایی محیط کسب و کار، بودجه‌بندی عملیاتی[1]در سازمان‌ها نقش بسیار حائز اهمیتی در بهبود مدیریت خرید دارد. مدیران سازمان‌ها نیازمند برنامه‌ریزی و کنترل دقیق بر مدیریت خرید خود هستند و بودجه‌بندی عملیاتی ابزاری قدرتمند است که این امکان را به آنها می‌دهد تا بهبودی چشمگیری در این حوزه برآورده کنند(ضرغامی و همکاران،۱۴۰۱). بودجه‌بندی عملیاتی به مدیران سازمان‌ها کمک می‌کند تا نیازها و الزامات خرید خود را به دقت تحلیل کنند. با شناسایی و تعیین نیازهای مواد و خدمات مورد نیاز، تعداد و فرکانس سفارش‌ها، و پیش‌بینی نیازهای آتی، مدیران می‌توانند بودجه‌های مناسبی را برای خرید مواد و خدمات در نظر بگیرند. این کار به آن‌ها اجازه می‌دهد تا از منابع مالی خود بهینه‌تر استفاده کنند و به جریان نقدینگی سازمان کنترل داشته باشند(لاری و همکاران،۱۴۰۱). بودجه‌بندی عملیاتی همچنین برنامه‌ریزی زمانبندی دقیق را برای خرید مواد و خدمات فراهم می‌کند. با تعیین زمانبندی مناسب، می‌توان تداوم فعالیت‌ها و عدم توقف تولید را تضمین کرد. همچنین، برنامه‌ریزی زمانبندی کمک می‌کند تا از تحویل دیرهنگام مواد و خدمات جلوگیری شود و بهبودی در روند تأمین مواد و خدمات به سازمان داشته باشد(قلی زاده و همکاران،۲۰۲۳). علاوه بر این، بودجه‌بندی عملیاتی به مدیران امکان ارزیابی و انتخاب بهترین تأمین‌کنندگان را می‌دهد. با انتخاب تأمین‌کنندگان مناسب و قابل اعتماد بر اساس معیارهایی مانند کیفیت، قیمت، تحویل به موقع و خدمات پس از فروش، مدیران می‌توانند بهبودی قابل توجه در مدیریت خرید را تحقق بخشند(هی و ژن[2]،۲۰۱۸). ارزیابی دوره‌ای تأمین‌کنندگان فعلی و جدید به کاهش ریسک‌های مربوط به خرید کمک می‌کند . مدیران سازمان‌ها نیازمند برنامه‌ریزی و کنترل دقیق بر مدیریت خرید خود هستند و بودجه‌بندی عملیاتی ابزاری قدرتمند است که این امکان را به آنها می‌دهد تا بهبودی چشمگیری در این حوزه برآورده کنند(لاری و همکاران،۱۳۹۸). بودجه‌بندی عملیاتی به مدیران سازمان‌ها کمک می‌کند تا با دقت نیازها و الزامات خرید خود را تحلیل کنند و بودجه‌های مناسبی را برای خرید مواد و خدمات در نظر بگیرند. این کار به آنها اجازه می‌دهد تا منابع مالی خود را بهینه‌تر مدیریت کنند و به جریان نقدینگی سازمان کنترل داشته باشند(راعی کوچمشکی، ۱۴۰۲). حال پژوهش حاضر به دلیل اهمیت موضوع به این مهم پرداخته شده است و با استفاده از روش کتابخانه ای، پژوهش حاضر به بررسی نقش بودجه‌بندی عملیاتی در بهبود مدیریت خرید در سازمان‌ها پرداخت.

۲-ادبیات تحقیق

در این قسمت ادبیات و مفاهیم مرتبط با پژوهش شرح داده خواهد شد.

۲-۱- بودجه‌بندی عملیاتی

بودجه‌بندی عملیاتی، فرآیند تخصیص منابع مالی به فعالیت‌های عملیاتی یک سازمان در یک دوره زمانی خاص است. در این فرآیند، سازمان برنامه‌ریزی مالی خود را بر اساس هدف‌ها، استراتژی‌ها و نیازهای عملیاتی خود تنظیم

[1] Operational budgeting
[2] He & Zhan

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-09-18]

می‌کند(پناهی و همکاران،۱۴۰۱). بودجه‌بندی عملیاتی به سازمان‌ها کمک می‌کند تا منابع مالی خود را به طور بهینه تخصیص دهند و برنامه‌ها و فعالیت‌های خود را در دوره زمانی مشخصی مدیریت کنند. این بودجه شامل تخصیص منابع مالی به بخش‌ها و واحدهای مختلف سازمان، هزینه‌های عملیاتی، درآمدها، سرمایه‌گذاری‌ها، پروژه‌ها و فعالیت‌های مختلف است(ذاکر و همکاران،۱۴۰۰).

عملیاتی بودن بودجه به این معناست که بودجه‌ها برای فعالیت‌های عملیاتی سازمان تخصیص می‌یابند که مرتبط با فعالیت‌های روزمره و عادی سازمان هستند. این شامل هزینه‌های مربوط به تأمین مواد و خدمات، حقوق و دستمزد پرسنل، هزینه‌های تولید، بازاریابی، تحقیق و توسعه، نگهداری تجهیزات و سایر هزینه‌های مرتبط با فعالیت‌های عملیاتی است. بودجه‌بندی عملیاتی در سازمان‌ها عملکرد و عملکرد مالی سازمان را مدیریت می‌کند(جهان‌بینی و همکاران،۱۴۰۱). با استفاده از بودجه‌بندی عملیاتی، سازمان می‌تواند منابع مالی خود را به طور بهینه تخصیص دهد، اهداف خود را برآورده کند و کنترل مالی را بهبود بخشد. همچنین، بودجه‌بندی عملیاتی به مدیران و کارکنان سازمان کمک می‌کند تا برنامه‌ریزی منابع و اولویت‌بندی فعالیت‌ها را بهبود دهند و بازدهی را افزایش دهند(وو و همکاران[1]،۲۰۱۵).

فرآیند بودجه‌بندی عملیاتی معمولاً در سازمان‌ها به چند روش انجام می‌شود.

۱. تعیین هدف‌ها و استراتژی‌ها: در این مرحله، هدف‌ها و استراتژی‌های سازمان برای دوره زمانی موردنظر تعیین می‌شوند. این هدف‌ها می‌توانند شامل رشد درآمدها، کاهش هزینه‌ها، بهبود کیفیت، توسعه بازار و سایر اهداف است. استراتژی‌های متناسب با هدف‌ها نیز شناسایی می‌شوند.

۲. تحلیل نیازها و الزامات عملیاتی: در این مرحله، نیازها و الزامات عملیاتی سازمان بررسی می‌شوند. این شامل شناسایی مواد و خدمات موردنیاز، تأمین‌کنندگان، هزینه‌های مرتبط، نیروی کار موردنیاز و سایر عوامل است. این تحلیل به مدیران کمک می‌کند تا نیازها و الزامات را به درستی در نظر بگیرند.

۳. تخصیص منابع مالی: در این مرحله، نیازها و الزامات عملیاتی با در نظر گرفتن هدف‌ها و استراتژی‌ها با منابع مالی سازمان مقایسه می‌شوند. منابع مالی شامل بودجه‌های موجود، درآمدها، سرمایه‌گذاری‌ها و سایر منابع است. سپس، بر اساس الزامات و اولویت‌ها، تخصیص منابع به بخش‌ها و واحدهای مختلف سازمان صورت می‌گیرد.

۴. برنامه‌ریزی زمانبندی: در این مرحله، برنامه‌ریزی زمانبندی خرید و استفاده از منابع انجام می‌شود. فعالیت‌ها بر اساس الزامات و اولویت‌های تعیین شده در بودجه، در طول دوره زمانی مشخصی برنامه‌ریزی می‌شوند. این برنامه‌ریزی شامل زمانبندی تأمین مواد و خدمات و همچنین پیش‌بینی هزینه‌های عملیاتی است.

۵. پیش‌بینی درآمدها و هزینه‌ها: در این مرحله، پیش‌بینی درآمدها و هزینه‌ها براساس برنامه‌ها و فعالیت‌های بودجه‌بندی شده انجام می‌شود. این پیش‌بینی‌ها ممکن است براساس تحلیل‌های بازار، تجربه‌های قبلی و سایر عوامل صورت گیرد.

[1] Wu

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-09-18]

۶. مانیتورینگ و کنترل: پاز این برنامه‌ریزی عملیاتی بودجه، سازمان باید فرآیند مانیتورینگ و کنترل را انجام دهد. در این مرحله، عملکرد و عملکرد مالی سازمان در طول دوره زمانی مشخصی نظارت می شود. این شامل بررسی و مقایسه درآمدها و هزینه‌های واقعی با پیش‌بینی‌ها، تحلیل اختلافات، تعیین علل اختلافات و اتخاذ تصمیمات تصحیحی است(راعی کوجمشکی،۱۴۰۲).

فرآیند بودجه‌بندی عملیاتی معمولاً توسط تیم‌های مالی، مدیریت عملیات و مدیران سطح بالاتر در سازمان انجام می‌شود. همچنین، مشارکت و هماهنگی بین واحدها و بخش‌های مختلف سازمان در فرآیند بودجه‌بندی مهم است تا تخصیص منابع مالی بهینه و هماهنگ صورت بگیرد(هی و ژن،۲۰۱۸).

تخصیص منابع مالی به بخش‌ها و واحدهای مختلف سازمان تحت تأثیر عوامل گوناگون قرار می‌گیرد. اهداف و استراتژی‌های سازمان می‌توانند معیارهای اصلی برای تخصیص منابع مالی باشند. بخش‌ها و واحدهایی که بیشترین تأثیر بر رسیدن به اهداف سازمان دارند، ممکن است بیشترین منابع مالی را دریافت کنند. بخش‌ها و واحدهای مختلف سازمان ممکن است نیازها و الزامات مالی متفاوتی داشته باشند. عوامل مانند نیروی کار، مواد و خدمات، تجهیزات و سایر عوامل عملیاتی می‌توانند در تخصیص منابع مالی نقش داشته باشند. بخش‌ها با نیازهای بزرگتر ممکن است بیشترین تخصیص منابع مالی را دریافت کنند. شرایط بازار و عوامل خارجی می‌توانند تأثیر زیادی بر تخصیص منابع مالی به بخش‌ها داشته باشند(قلی زاده و همکاران،۲۰۲۳). در صنایع رقابتی، بخش‌هایی که در تأمین مواد اولیه، تحقیق و توسعه، بازاریابی و فروش برتری دارند، ممکن است بیشترین سرمایه‌گذاری‌ها را دریافت کنند. عملکرد و عملکرد مالی بخش‌ها و واحدها در گذشته می‌تواند نقشی در تخصیص منابع مالی داشته باشد. بخش‌ها با عملکرد برتر و بازدهی بالاتر ممکن است مزیت دریافت منابع بیشتر را داشته باشند(ذاکر و همکاران،۱۴۰۰). در برخی موارد، سازمان‌ها ممکن است بر اساس اولویت‌بندی استراتژیک، برخی از بخش‌ها و واحدها را انتخاب کنند و منابع مالی را به آن‌ها اختصاص دهند. این معمولاً در شرایط محدودیت منابع یا تغییرات استراتژیک مهم است(هی و ژن،۲۰۱۸). تصمیمات مدیران و سیاست‌های سازمان نیز می‌تواند تخصیص منابع مالی را تحت تأثیر قرار دهد. سیاست‌ها ممکن است تعیین حداقل و حداکثر سطوح تخصیص منابع مالی به بخش‌ها و واحدهای مختلف سازمان را تعیین کنند و مدیران ممکن است بر اساس این سیاست‌ها تصمیم‌گیری کنند(وو و همکاران،۲۰۱۵). ساختار سازمانی، فرآیندهای تصمیم‌گیری و سیستم‌های مدیریتی نیز ممکن است در تخصیص منابع مالی تأثیرگذار باشند. طرح‌های بودجه‌بندی و فرآیندهای تصمیم‌گیری ممکن است به عنوان راهنمایی برای تخصیص منابع استفاده شوند. در نهایت، تخصیص منابع مالی به بخش‌ها و واحدهای مختلف سازمان تحت تأثیر ترکیبی از این عوامل قرار می‌گیرد و معمولاً به صورت یک فرآیند تصمیم‌گیری پیچیده و تعاملی صورت می‌گیرد. همچنین، با توجه به شرایط و زمینه‌های مختلف سازمان‌ها، عوامل دیگری نیز ممکن است در تخصیص منابع مالی تأثیر داشته باشند(راعی کوچمشکی،۱۴۰۲).

روش‌های نوینی برای بودجه‌بندی عملیاتی در سازمان‌ها به منظور بهبود فرآیند بودجه‌بندی و افزایش کارآیی وجود دارد. برای مثال بودجه‌بندی براساس فعالیت‌ها که در این روش، بودجه بر اساس فعالیت‌های انجام شده در سازمان

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-09-18]

تنظیم می شود. به جای تمرکز بر بخش‌ها و واحدهای سازمان، فعالیت‌های کلیدی شناسایی می شوند و برای هر فعالیت بودجه‌ای تعیین می‌شود. این روش به سازمان امکان می‌دهد تا بهبودهای عمده را در فرآیندها و فعالیت‌ها شناسایی کرده و منابع را به صورت بهینه‌تر تخصیص دهد(ذاکر و همکاران،۱۴۰۰) .روش دیگر بودجه‌بندی براساس اهداف استراتژیک می‌باشد که در این روش، بودجه بر اساس اهداف استراتژیک سازمان تعیین می‌شود. ابتدا اهداف استراتژیک برای سازمان تعیین می شوند و سپس بودجه به گونه‌ای تخصیص داده می شود که به دستیابی به این اهداف کمک کند. این روش به سازمان کمک می‌کند تا بر اولویت‌بندی اهداف و تمرکز منابع بر روی آنها تمرکز کند(قلی زاده و همکاران،۲۰۲۳). همچنین بودجه‌بندی براساس مدل تجربیات قبلی روش دیگر است که از داده‌ها و تجربیات گذشته برای پیش‌بینی هزینه‌ها و درآمدها در آینده استفاده می شود. با تحلیل داده‌های گذشته، الگوها و روندهای مالی شناسایی می‌شوند و بر اساس آنها بودجه تعیین می‌شود. این روش به سازمان کمک می‌کند تا بهبودهایی را در پیش‌بینی هزینه‌ها و مدیریت مالی ایجاد کند. روش دیگر بودجه‌بندی براساس فرآیندهای استراتژیک می‌باشد که بودجه‌بندی بر اساس فرآیندهای استراتژیک سازمان صورت می‌گیرد. فرآیندهای کلیدی سازمان شناسایی می‌شوند و برای هر فرآیند بودجه‌ای تعیین می‌شود. این روش به سازمان کمک می‌کند تا بر بهبود فرآیندها و استراتژی‌های خود تمرکز کند و منابع را به صورت بهینه در نظر بگیرد(جهان بینی و همکاران،۱۴۰۱).

در بودجه‌بندی عملیاتی، عوامل مختلفی می‌توانند بر تعیین و تأثیرگذاری بر بودجه تأثیر بگذارند. اهداف استراتژیک سازمان و راهبردهای تعیین شده برای آینده، تأثیر بزرگی در بودجه‌بندی عملیاتی دارند. بودجه‌ها باید به گونه‌ای تعیین شوند که بتوانند به دستیابی به اهداف استراتژیک سازمان کمک کنند و راهبردهای مشخصی را پشتیبانی کنند(پناهی و همکاران،۱۴۰۱). نیازهای عملیاتی سازمان نقش مهمی در تعیین بودجه دارند. این شامل هزینه‌های مربوط به نیروی انسانی، تجهیزات، مواد و سایر منابع مورد نیاز برای انجام فعالیت‌های عملیاتی سازمان است. تحلیل دقیق نیازهای عملیاتی و تخصیص منابع صحیح به آنها از اهمیت بالایی برخوردار است. عوامل محیطی مانند شرایط اقتصادی، رقابت در بازار، تغییرات قوانین و مقررات، انتظارات مشتریان و سایر عوامل خارجی می‌توانند بر بودجه‌بندی عملیاتی تأثیرگذار باشند. در نظر گرفتن این عوامل و تناسب با آنها، تضمین کننده موفقیت بودجه‌بندی است(هی و ژن،۲۰۱۸). بررسی عملکرد مالی در دوره‌های گذشته و تحلیل نتایج مالی می‌تواند در تعیین بودجه آینده کمک کند. این تحلیل شامل بررسی درآمدها، هزینه‌ها، سودآوری و عملکرد عمومی سازمان است و می‌تواند به بهبود فرآیند بودجه‌بندی و تخصیص بهینه منابع کمک کند(ذاکر و همکاران،۱۴۰۰). استفاده از استراتژی‌های کاهش هزینه و بهبود عملکرد می‌تواند در بودجه‌بندی عملیاتی تأثیرگذار باشد. این استراتژی‌ها شامل بهینه سازی فرآیندها، استفاده از فناوری‌های نوین، بهبود کارایی منابع و کاهش هدررفت‌ها است. ریسک‌ها و عدم قطعیت نیز در بودجه‌بندی عملیاتی تأثیرگذار هستند. در هنگام بودجه‌بندی، لازم است ریسک‌های ممکن و عدم قطعیت‌های مربوط به عوامل داخلی و خارجی مورد بررسی قرار گیرند. این شامل تحلیل ریسک‌های مالی، تغییرات قیمت‌ها، تغییرات در نرخ ارز، تغییرات قوانین و مقررات و سایر عوامل ممکن است.

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-09-18]

در نظر گرفتن این ریسک‌ها و عدم قطعیت‌ها و تخصیص منابع مناسب برای مدیریت آنها در بودجه، می‌تواند به ایجاد انعطاف‌پذیری و پاسخگویی به تغییرات آینده کمک کند(راعی کوچمشکی،۱۴۰۲).

۲-۲- مدیریت خرید در سازمان

مدیریت خرید در سازمان[1]فرایندی است که به برنامه‌ریزی، سازماندهی و کنترل فعالیت‌ها و روند خرید کالاها و خدمات مورد نیاز سازمان می‌پردازد. هدف اصلی مدیریت خرید، تأمین منابع و امکانات لازم با کیفیت مناسب، به قیمت مناسب و در زمان مناسب است(فلچسینگ[2]و همکاران،۲۰۲۲). مدیریت خرید شامل فرآیندها و فعالیت‌هایی می‌باشد. در مرحله برنامه‌ریزی خرید، نیازها و الزامات سازمان برای کالاها و خدمات مورد نیاز شناسایی می شوند. برنامه‌ریزی خرید شامل تحلیل نیازها، تعیین استراتژی‌های خرید، تعیین تعداد و نوع تأمین‌کنندگان مورد نیاز و برنامه‌ریزی زمانبندی خریدها است. در مرحله تأمین‌کننده‌ها و تدارکات، سازمان با تحقیق و بررسی روش‌ها و منابع مختلف، تأمین‌کنندگان مناسب را انتخاب می‌کند. انتخاب تأمین‌کنندگان بر اساس معیارهایی مانند کیفیت، قیمت، توانایی تولید و تأمین، پشتیبانی فنی و مدت زمان تحویل صورت می‌گیرد. همچنین، در این مرحله قراردادها و مذاکرات با تأمین‌کنندگان صورت می‌گیرد(جانسون[3]و همکاران،۲۰۲۱). پس از انتخاب تأمین‌کنندگان، فرآیند سفارش و خرید انجام می‌شود. در این مرحله، نیازهای سازمان به صورت رسمی و قانونی به تأمین‌کنندگان اعلام می شود و قراردادها و توافق‌نامه‌های خرید امضا می‌شود. همچنین، کنترل و پیگیری تحویل کالاها و خدمات نیز در این مرحله انجام می‌شود. مدیریت خرید شامل کنترل هزینه‌ها و عملکرد تأمین‌کنندگان است. در این مرحله، هزینه‌های خرید و تأمین، عملکرد تأمین‌کنندگان و کیفیت محصولات و خدمات مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در صورت لزوم، تغییرات و بهبودهای لازم در فرآیند خرید صورت می‌گیرد(مونکزکا[4]و همکاران،۲۰۲۱).

مدیریت خرید در سازمان نقش مهمی در بهبود عملکرد عمومی سازمان، افزایش کیفیت محصولات و خدمات، کاهش هزینه‌ها، کنترل ریسک‌ها و تضمین تأمین‌کنندگان مطمئن، انعطاف‌پذیری در مواجهه با تغییرات بازار و بهبود روابط با تأمین‌کنندگان دارد. می توان گفت مدیریت خرید با هماهنگی و همکاری با سایر بخش‌های سازمان، به دستیابی به اهداف استراتژیک سازمان کمک می‌کند و نقش بسیار حیاتی در موفقیت و رشد سازمان دارد(لاری و همکاران،۱۴۰۱).

در مدیریت خرید سازمان‌ها، عوامل متعددی می‌توانند دخیل باشند. برخی از این عوامل عبارتند از:

۱. استراتژی سازمان: استراتژی سازمان درباره اهداف کلی، رویکردها و راهبردهای خرید تعیین‌کننده است. استراتژی سازمان می‌تواند شامل انتخاب تأمین‌کنندگان، سیاست‌های قراردادی، استفاده از تکنولوژی‌های خرید الکترونیکی و سایر تصمیمات مهم در حوزه خرید باشد.

[1] Purchasing management in the organization
[2] Flechsig
[3] Johnson
[4] Monczka

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-09-18]

۲. ساختار سازمانی: ساختار سازمانی نحوه تقسیم وظایف، مسئولیت‌ها و اختیارات در سازمان را تعیین می‌کند. در مدیریت خرید، ساختار سازمانی می‌تواند بر تخصیص منابع، فرآیندهای تصویب و تصمیم‌گیری، همکاری بین واحدها و سطوح مختلف سازمان و ارتباط با تأمین‌کنندگان تأثیرگذار باشد.

۳. تأمین‌کنندگان: تأمین‌کنندگان عامل کلیدی در مدیریت خرید هستند. انتخاب، ارزیابی و تعامل با تأمین‌کنندگان مناسب می‌تواند تأثیر بسزایی در عملکرد خرید سازمان داشته باشد. عواملی مانند قابلیت‌ها، توانمندی‌ها، کیفیت، قیمت، توافق‌نامه‌ها و رفتار تجاری تأمین‌کنندگان می‌توانند در انتخاب و ارزیابی آنها مدنظر قرار بگیرند.

۴. فرآیندها و روش‌ها: فرآیندها و روش‌های مدیریت خرید می‌توانند تأثیر زیادی در کارایی و کیفیت مدیریت خرید داشته باشند. فرآیندهای مشخص و بهینه شده برای تحلیل نیازها، انتخاب تأمین‌کنندگان، قراردادنویسی، سفارش و تدارکات و کنترل عملکرد تأمین‌کنندگان می‌توانند در بهبود عملکرد سیستم خرید سازمان مؤثر باشند.

۵. فناوری اطلاعات: استفاده از فناوری اطلاعات و سیستم‌های مدیریت رابطه با تأمین‌کنندگان[1] سیستم‌های خرید الکترونیکی[2] نرم‌افزارهای مدیریت خرید و سایر ابزارهای مرتبط می‌تواند در بهبود فرآیندهاو کارایی مدیریت خرید سازمان کمک کند. این فناوری‌ها می‌توانند در ارتباط با تأمین‌کنندگان، ثبت و پیگیری سفارش‌ها، مدیریت موجودی، تحلیل داده‌ها و بهبود ارتباطات داخلی و خارجی سازمان مورد استفاده قرار گیرند(اسفیدانی و همکاران،۱۴۰۲).

۶. قوانین و مقررات: قوانین و مقررات مربوط به خرید و تأمین در سطح ملی و بین‌المللی نیز می‌توانند در مدیریت خرید سازمان تأثیرگذار باشند. مثلاً، قوانین مربوط به رقابت، حفاظت از حقوق تأمین‌کنندگان، رعایت استانداردهای کیفیت و ایمنی، قوانین مالی و مالیاتی و سیاست‌های سازمانی در این زمینه می‌توانند تعیین‌کننده‌های مهمی باشند.

۷. نیازها و خواسته‌های داخلی: نیازها و خواسته‌های داخلی سازمان نقش مهمی در مدیریت خرید دارند. این شامل نیازهای اقتصادی، عملکردی، کیفیتی و مالی سازمان است. تحلیل نیازها، برآورد بودجه، ارزیابی خطرات و توجه به راهکارهای مطلوب در خرید و تأمین می‌تواند در صحیح بودن تصمیمات خرید سازمان تأثیرگذار باشد(لاری و همکاران،۱۳۹۸).

۲-۳- نقش بودجه‌بندی عملیاتی در بهبود مدیریت خرید

بودجه‌بندی عملیاتی در مدیریت خرید سازمان‌ها نقش حیاتی و بسیار مهمی دارد. بودجه‌بندی عملیاتی به سازمان‌ها امکان می‌دهد تا منابع مالی مورد نیاز برای فعالیت‌های خرید را برآورد کنند و تأمین کنندگان خارجی و داخلی را پرداخت کنند. با تخصیص منابع مالی به صورت صحیح و بهینه، سازمان‌ها می‌توانند از لحاظ مالی کنترل دقیقی بر روند خرید خود داشته باشند و از ایجاد نقص و هدررفت‌های مالی جلوگیری کنند(قلی زاده و همکاران،۲۰۲۳). با بودجه‌بندی عملیاتی، سازمان‌ها می‌توانند فعالیت‌های خرید را برنامه‌ریزی کرده و منابع مورد نیاز را به ترتیب اولویت به پروژه‌ها و فعالیت‌های مختلف تخصیص دهند. این کار به سازمان‌ها کمک می‌کند تا منابع خود را بهینه استفاده کنند و از اسراف و تخصیص ناصحیح منابع جلوگیری کنند. با بودجه‌بندی عملیاتی، سازمان‌ها می‌توانند تأمین‌کنندگان مورد نیاز خود را

[1] SRM
[2] e-procurement

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-09-18]

شناسایی کرده و منابع لازم را به آن‌ها تخصیص دهند. این کار به سازمان‌ها امکان می‌دهد تا از تأمین‌کنندگان با کیفیت و قابل اعتماد استفاده کنند و ریسک‌های مرتبط با تأمین‌کنندگان را به حداقل برسانند(هی و ژن،۲۰۱۸). بودجه‌بندی عملیاتی به سازمان‌ها امکان می‌دهد هزینه‌های مربوط به فعالیت‌های خرید را مدیریت کنند و بهره‌وری را افزایش دهند. با بررسی و تحلیل هزینه‌ها، سازمان‌ها می‌توانند به روش‌های بهبود کارایی مالی دست یابند، مانند مذاکره با تأمین‌کنندگان برای کسب قیمت بهتر، استفاده از پرداخت‌های الکترونیکی برای کاهش هزینه‌های مالیاتیو هزینه‌های پرداخت، بهره‌برداری از منابع خرید مشترک و هماهنگی با سایر بخش‌های سازمان برای بهره‌برداری از تخفیف‌ها و قیمت‌های ویژه و ا ستفاده بهینه از منابع مالی و نیروی کار(ذاکر و همکاران،۱۴۰۰). بودجه‌بندی عملیاتی به سازمان‌ها کمک می‌کند تا ریسک‌های مرتبط با فعالیت‌های خرید را شنا سایی کرده و ا ستراتژی‌های منا سبی برای مدیریت و کاهش آن‌ها ایجاد کنند. با پیش‌بینی هزینه‌ها، تأمین‌کنندگان و مدیریت موجودی کالاها، سازمان‌ها می‌توانند در مواجهه با م شکلات محتمل در فرآیندهای خرید، به صورت مؤثر واکنش نشان دهند و از ریسک‌های احتمالی جلوگیری کنند(جهان بینی و همکاران،۱۴۰۱).

بودجه‌بندی عملیاتی به سازمان‌ها کمک می‌کند تا فرآیندهای خرید را به صورت شفاف و قابل کنترل مدیریت کنند. با تعیین بودجه‌های واقعی و شفاف برای خرید، سازمان‌ها می‌توانند عملکرد مالی و عملیاتی خود را مانند هزینه‌ها، درآمدها و نتایج مالی بهبود بخشند و نتایج را با اهداف و استراتژی‌های خود مقایسه کنند. به طور کلی می توان گفت که، بودجه‌بندی عملیاتی در مدیریت خرید سازمان‌ها نقش مهمی در بهبود کارایی مالی، بهره‌وری، کنترل ریسک و بهینه‌سازی فرآیندهای خرید دارد. با استفاده صحیح از بودجه‌بندی عملیاتی، سازمان‌ها می‌توانند نتیجه‌گیری بهتری از فعالیت‌های خرید خود داشته باشند و به تحقق اهداف سازمانی خود نزدیک‌تر شوند(راعی کوچمشکی،۱۴۰۲).

بودجه‌بندی عملیاتی در مدیریت خرید سازمان‌ها می‌تواند بهبود کیفیت خدمات و محصولات را نیز تحقق بخشد.

با تخصیص منابع مالی منا سب به بخش خرید، سازمان می‌تواند از تأمین‌کنندگان با کیفیت و قابل اعتماد ا ستفاده کند. با انتخاب تأمین‌کنندگانی که محصولات و خدمات با کیفیت ارائه می‌دهند، کیفیت نهایی محصولات و خدمات سازمان نیز بهبود می‌یابد. بودجه‌بندی عملیاتی می‌تواند به سازمان کمک کند تا در تهیه م شخصات فنی و ا ستانداردهای محصولات و خدمات، منابع کافی را اختصاص دهد. با استفاده از استانداردها و مشخصات فنی معتبر، سازمان می‌تواند از تأمین‌کنندگانی استفاده کند که محصولات و خدماتی با کیفیت مطابق با نیازهای سازمان ارائه می‌دهند(وو و همکاران،۲۰۱۵). بودجه‌بندی عملیاتی به سازمان امکان می‌دهد تا فرآیندهای کنترل کیفیت را در طول زنجیره تأمین مدیریت کند. با اختصاص منابع مالی به اقدامات کنترل کیفیت مثل بازرسی و آزمون محصولات، سازمان می‌تواند از ارائه محصولات و خدمات با کیفیت مطمئن شود و در صورت وجود نقص، آن‌ها را شناسایی و رفع کند(ضرغامی و همکاران،۱۴۰۱). بودجه‌بندی عملیاتی می‌تواند به سازمان کمک کند تا از ا ستراتژی‌های کیفیت پیروی کند و برنامه‌های مرتبط با کیفیت را پیاده‌سازی کند. با اختصاص منابع مالی مناسب به فعالیت‌های بهبود کیفیت، آموزش و آگاهی کارکنان در زمینه کیفیت، و انجام اقداماتی برای ارتقای کیفیت محصولات و خدمات، سازمان می‌تواند بهبود کیفیت را ترویج

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-09-18]

دهد. با بهبود کیفیتمحصـــولات و خدمات، ســـازمان می‌تواند رضـــایت مشـــتریان را افزایش دهد. بودجه‌بندی عملیاتی می‌تواند به سازمان کمک کند تا منابع لازم را برای جمع‌آوری بازخورد مشتریان، تحلیل آن و اتخاذ اقدامات بهبودی در نظر بگیرد. با تمرکز بر نیازها و انتظارات مشتریان و ارائه محصولات و خدمات با کیفیت بالا، سازمان می‌تواند رضایت مشـــتریان را بهبود داده و روابط خود را با آنان تقویت کند. بنابراین، بودجه‌بندی عملیاتی در مدیریت خرید ســـازمان‌ها می‌تواند بهبود کیفیت خدمات و محصولات را ترویج داده و در نهایت عملکرد و عملکرد سازمان را بهبود بخشد(قلی زاده و همکاران،۲۰۲۳).

۳- پیشینه پژوهش

در این قسمت پیشینه‌های داخلی و خارجی مربوط به برررسی نقش بودجه‌بندی عملیاتی در بهبود مدیریت خرید در سازمان‌ها آورده شده است. بطور کلی مطالعات انجام شده در ارتباط با بررسی نقش بودجه‌بندی عملیاتی در بهبود مدیریت خرید در سازمان‌ها در جامعهٔ ایران کمتر از جوامع دیگر مشهود بوده است. با انجام این پژوهش در تلاش برای رفع این خلأ پژوهشی هستیم.

راعی کوچمشکی(۱۴۰۲)، پژوهشی را با عنوان «واکاوی و بررسی روش های بودجه‌ریزی و بودجه نویسی در شهرداری‌ها با تاکید بر بهره‌وری بودجه‌ریزی عملیاتی به جای بودجه‌ریزی سنتی» انجام داد. نتایج نشان داد که بودجه‌بندی و بودجه‌ریزی در شهرداری از جزء شاهرگ های حیاتی در سازمان است و تنظیم برنامه و بودجه و تفریغ بودجه و نحوه تفکیک وظایف و فعالیت‌ها و انطباق بودجه با برنامه و همچنین طرز برآورد درآمد و هزینه به موجب دستورالعملی خواهد بود که به وسیله وزارت کشور تصویب و ابلاغ می‌شود. از سوی دیگر از آنجا که در سیستم بودجه‌ریزی سنتی عوامل مهمی چون اثربخشی، کارایی، صرفه جویی و بازدهی در قبال صرف منابع نادیده گرفته می‌شوند لذا از منابع به درستی استفاده نشده و حتی به هدر می‌روند. با توجه به تحولات بودجه و قانون محاسبات عمومی کشور، بکارگیری بودجه سنتی مستلزم رعایت قوانین مندرج در قانون محاسبات عمومی کشوری است، لذا یکی از راه کارهای مطرح جهت استفاده و مدیریت بهتر بودجه استفاده از بودجه عملیاتی به جای بودجه‌ریزی سنتی است.

پناهی و همکاران(۱۴۰۱)، پژوهشی را با عنوان «نقش بودجه‌بندی عملیاتی در بهبود عمران و آبادانی کشور با استفاده از حسابداری تعهدی» انجام دادند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها نشان داد تاثیر بودجه‌بندی عملیاتی بر بهبود عمران و آبادانی کشور مثبت و معنادار می‌باشد. همچنین تاثیر بودجه‌بندی عملیاتی بر حسابداری تعهدی مثبت و معنادار می‌باشد.

ضـــرغامی و همکاران(۱۴۰۱)، پژوهشـــی را با عنوان « بهبود فرآیند خرید اقلام و تجهیزات در مدیریت زنجیره تامین سازمان‌های دریایی (مطالعه موردی: نیروی دریایی راهبردی ارتش)» انجام دادند. نتایج حاصل از این پژوهش استخراج ۱۲ راهکار اولویت‌بندی شده است که نشان داد برآورد دقیق نیازها و اولویت‌بندی خریدها بر اساس ضرورت خرید و زمان خرید، پرداخت به موقع مطالبات فروشـــندگان به منظور افزایش رقابت درفروش و ترغیب فروشـــندگان به انجام معاملات آتی، مکانیزه شدن سامانه تنظیم اسنادمالی خرید، ارزیابی دقیق و کارشناسانه کیفیت اقلام قبل از بازگشایی پاکت‌های پیشنهادها در مناقصه‌ها، نظارت دائم بر عملکرد عاملین خرید از سوی مسئولین و انجام خرید نقدی تا حد

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-09-18]

امکان به منظور استفاده از تخفیفات و غیره از راهکارهای اساسی بهبود فرایند خرید اقلام وتجهیزات در نداجا است.
جهان‌بینی و همکاران(۱۴۰۱)، پژوهشی را با عنوان «بررسی تأثیر روش‌های بودجه‌بندی بر تخصیص بهینه منابع» انجام دادند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه پژوهش بیانگر این است، که بودجه‌بندی عملیاتی در مقایسه با بودجه‌بندی برنامه‌ای باعث تخصیص بهینه‌تر منابع نگردیده است.
قلی زاده و همکاران(۲۰۲۳)، پژوهشی را با عنوان «الزامات بودجه‌ریزی عملیاتی در نظام آموزش عالی ایران» را انجام دادند. نتایج نشان داد که در بین این عوامل، عامل مدیریتی مهمترین عامل در نهادینه سازی بودجه‌ریزی عملیاتی ایرانیان در آموزش عالی بوده است.

۴- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مروری می‌باشد و از متون کتابخانه‌ای و پایگاه های اطلاعاتی مختلف برای تدوین مقاله استفاده شده است. یک مقاله مروری تحقیقات اخیر در یک موضوع تحقیقی را بگونه‌ای خلاصه و سازماندهی می‌کند که بتواند به دیگران در فهم و تجمیع آن موضوع کمک کند. یک مقاله مروری دانش زمینه‌ای لازم در آن موضوع را به عنوان یک فرض در نظر می‌گیرد و به آن نمی‌پردازد و در عوض به طبقه‌بندی تحقیقات انجام شده در آن موضوع و دورنمای این موضوع تحقیقاتی در آینده و ارزیابی و مقایسه راه کارها و روش‌های موجود می‌پردازد و هدف آن، فراهم کردن یک دیدگاه به خوبی سازماندهی شده و کامل از کارهای انجام شده در یک موضوع تحقیقی می‌باشد(حافظ‌نیا، ۱۳۸۸).
پژوهش حاضر از نوع مروری است، چرا که در آن ابتدا به بیان کلیاتی درباره بودجه‌بندی عملیاتی و بهبود مدیریت خرید در سازمان‌ها از قبیل مفاهیم و تعاریف، پیامدها و... پرداخته شد. این اطلاعات و منابع به شیوه کتابخانه‌ای از تمامی منابع معتبر (شامل کتاب، مقاله‌ها و مجله‌ها، سایت‌ها، دیسک‌های رایانه‌ای، اسناد، نشریه‌های رسمی دولتی، اسناد شخصی و خصوصی، مطبوعات، آمارنامه‌ها و اسناد صوتی و تصویری) مورد بررسی قرار گرفته و اطلاعات مفید با استفاده از ابزارهایی مانند فیش، جدول، نقشه یا فرم‌های شبه پرسشنامه یا ترکیبی از همه آنها استخراج خواهد شد.

۵-نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این مقاله به بررسی نقش بودجه‌بندی عملیاتی در بهبود مدیریت خرید در سازمان‌ها پرداخته شد. در ادبیات پژوهش عنوان شد که بودجه‌بندی عملیاتی به سازمان‌ها امکان می‌دهد منابع مالی را به طور استراتژیک تخصیص دهند و برنامه‌ریزی دقیق‌تری در خرید و تأمین منابع داشته باشند. با تعیین مبلغ مشخصی برای هر بخش از فعالیت‌های خرید، سازمان‌ها می‌توانند اولویت‌بندی کنند و به منابع مالی بیشتری در زمینه‌هایی که نیاز بیشتری دارند، تخصیص دهند. این کار به مدیران خرید کمک می‌کند تا برنامه‌ریزی دقیق‌تری داشته باشند و از امکانات مالی خود بهینه‌تر استفاده کنند. بنابراین، بودجه‌بندی عملیاتی می‌تواند به بهبود برنامه‌ریزی خرید و بهره‌وری در استفاده از منابع کمک کند(قلی زاده و همکاران،۲۰۲۳). علاوه بر این، بودجه‌بندی عملیاتی می‌تواند به سازمان ها در کنترل هزینه های خرید و کاهش هدررفت‌های مالی کمک کند. با داشتن بودجه مشخص و مدیریت دقیق هزینه‌ها، سازمان‌ها می‌توانند هزینه‌های اضافی را کاهش داده و از امکانات مالی خود بهره‌برداری بهینه‌تری داشته باشند(هو و ژن،۲۰۱۸). همچنین، بودجه‌بندی عملیاتی

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-09-18]

می‌تواند در فرآیند تصمیم‌گیری در خرید و انتخاب تأمین‌کنندگان مؤثر باشد. با داشتن بودجه‌های مشخص، سازمان‌ها می‌توانند بهترین شرایط و قیمت‌ها را در مذاکرات با تأمین‌کنندگان کسب کنند و از توافقات بهتری بهره‌مند شوند. همچنین، با داشتن بودجه‌های محدود، مدیران خرید مجبور می شوند به طور دقیق‌تری در تصمیم‌گیری‌های خرید عمل کنند و بهبود روند انتخاب و همکاری با تأمین‌کنندگان را تجربه کنند. هر سازمان ممکن است محدودیت‌های مالی خاص خود را داشته باشد، مانند محدودیت در منابع مالی یا اعتبارات موجود. با استفاده از بودجه‌بندی عملیاتی، سازمان‌ها می‌توانند فعالیت‌های خرید خود را به طور موثری مدیریت کنند و با محدودیت‌های مالی موجود سازگار شوند(وو و همکاران،۲۰۱۵).

نتایج نشان داد در بودجه‌بندی عملیاتی، برنامه‌ریزی مالی به عنوان یک مرحله کلیدی محسوب می‌شود و روش‌های گوناگونی دارد. برای مثال در برنامه‌ریزی مالی بر اساس تخصیص منابع، منابع مالی بر اساس اهداف و نیازهای مختلف سازمان تخصیص داده می‌شوند. ابتدا اهداف و اولویت‌های سازمان تعیین می‌شوند و سپس بر اساس این اهداف، بودجه‌ها به بخش‌ها و واحدهای مختلف تخصیص داده می‌شود. این روش به مدیران امکان می‌دهد تا مطابق با اهداف استراتژیک سازمان، منابع مالی را به طور موثر تخصیص دهند(راعی کوچمشکی،۱۴۰۲). در برنامه‌ریزی مالی بر اساس فعالیت، بودجه‌ها بر اساس فعالیت‌ها و وظایف مختلف سازمان تعیین می شوند. ابتدا فعالیت‌ها شناسایی می شوند و سپس بودجه‌ها به هر فعالیت بر اساس نیازها و اهداف آن تخصیص داده می‌شوند. این روش به مدیران امکان می‌دهد تا به طور دقیق‌تر در تخصیص منابع مالی به فعالیت‌های مختلف دخیل شوند و بازدهی هر فعالیت را بررسی کنند. در برنامه‌ریزی بر اساس پروژه، منابع مالی بر اساس پروژه‌ها و وظایف خاص تخصیص داده می شوند. هر پروژه به عنوان یک واحد مجزا در نظر گرفته می شود و برای آن یک بودجه جداگانه تعیین می شود. این روش به مدیران امکان می‌دهد تا به طور دقیق‌تر در تخصیص منابع مالی به پروژه‌های مختلف اقدام کنند و عملکرد هر پروژه را ارزیابی کنند. برنامه‌ریزی مالی بر اساس واحد سازمانی، بودجه‌ها بر اساس واحدهای سازمانی مختلف تعیین می‌شوند. به این ترتیب، هر واحد سازمانی مستقلی دریافت می‌کند و مدیران آن واحد مسئولیت مدیریت بودجه خود را دارند. این روش به مدیران امکان می‌دهد تا به طور مستقل بودجه خود را مدیریت کنند. در نتیجه، بودجه‌بندی عملیاتی در سازمان‌ها نقش مهمی در بهبود مدیریت خرید و ایجاد بهره‌وری در فرآیند خرید دارد. با استفاده از این رویکرد، سازمان‌ها می‌توانند منابع مالی خود را به طور استراتژیک تخصیص دهند و برنامه‌ریزی دقیق‌تری در خرید و تأمین منابع داشته باشند(قلی زاده و همکاران،۲۰۲۳).

بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان چندین پیشنهاد کاربردی ارائه داد:

-پیشنهاد می شود در ابتدا، نیازها و الزامات سازمان به دقت تحلیل شود. این شامل شناسایی و تعیین نیازهای مواد و خدمات مورد نیاز، تعداد و فرکانس سفارش‌ها، و پیش‌بینی نیازهای آتی می‌شود. با داشتن این اطلاعات، می‌توان بودجه‌های مناسبی را برای خرید مواد و خدمات در نظر گرفت.

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-09-18]

-پیشنهاد می‌شود برای خرید مواد و خدمات ضروری برنامه‌ریزی زمانبندی دقیق انجام شود. با تعیین زمانبندی مناسب، می‌توان تداوم فعالیت‌ها و عدم توقف تولید را تضـــمین کرد. همچنین، برنامه‌ریزی زمانبندی کمک می‌کند تا از تحویل دیرهنگام مواد و خدمات جلوگیری شود.

-پیشـــنهاد می‌شـــود تأمین‌کنندگان مناســـب و قابل اعتماد برای خرید مواد و خدمات انتخاب شـــوند. به علاوه، ارزیابی دوره‌ای تأمین‌کنندگان فعلی و جدید بر اســـاس معیارهایی مانند کیفیت، قیمت، تحویل به موقع و خدمات پس از فروش می‌تواند بهبود مدیریت خرید را تسهیل کند.

-پیشنهاد می‌شود عملکرد تأمین‌کنندگان و میزان رضایت از خدمات آنها، جهت بهبود مدیریت خرید مورد ارزیابی مداوم باشـــد. از طریق بازخورد همکاری با تأمین‌کنندگان و بررســـی معیارهای ارزیابی مثل کیفیت، قیمت، تحویل به موقع و خدمات پس از فروش، می‌توان بهبودهای لازم را در فرآیند خرید اعمال کرد.

منابع

اسفیدانی, محقر, زمانی. (۱٤۰۲). ارائه الگوی تحلیل رفتار خرید شرکت‌های فعال در مجتمع فولاد مبارکه در انتخاب تأمین‌کنندگان خارجی بر اساس ریسک‌های زنجیره تأمین. پژوهشنامه بازرگانی, ۲۷(۱۰۵), ۲٤٤-۲۲۱.

پناهی, گرجی‌زاده, داوود, صفرپور. (۱٤۰۱). نقش بودجه‌بندی عملیاتی در بهبود عمران و آبادانی کشور با استفاده از حسابداری تعهدی. پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی, ۳۲(٦), ۱۸-۹.

جهان بینی, پیفه, احمد, دهقان زاده, حامد. (۱٤۰۱). بررســـی تأثیر روش‌های بودجه‌بندی بر تخصـــیص بهینه منابع. مطالعات حسابداری و حسابرسی, ۱۱(٤٤), ۹۰-٦۹.

راعی کوچمشکی، ناصر. (۱٤۰۲). واکاوی و بررسی روش های بودجه‌ریزی و بودجه نویسی در شهرداری ها با تاکید بر بهره‌وری بودجه‌ریزی عملیاتی به جای بودجه‌ریزی سنتی. نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری, ۷(۲۵), ۲۱۳- ۲۲٦.

ذاکر، ســـید امیر رضـــا, کریم نخعی. (۱٤۰۰). بررســـی نقش حســـابداری مدیریت در بودجه‌بندی و بهبود عملکرد. نشـــریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری, ۵(۱٦), ۱۱۳-۹۸.

ضرغامی, محمدی, ملاکی, صادقی, سهراب. (۱٤۰۱). بهبود فرآیند خرید اقلام و تجهیزات در مدیریت زنجیره تامین سازمان‌های دریایی (مطالعه موردی: نیروی دریایی راهبردی ارتش). مطالعات مدیریتی دریا محور, ۷(۳), ۷۵-۵۸.

لاری, حاجی نبی, کامران, کمیلی, ریاحی. (۱۳۹۸). عوامل مؤثر در بعد کنترل مدیریت خرید ملزومات مصـــرفی پزشـــکی. *مجله پژوهش پرستاری ایران*, *۱٤*(٤), ۷۱-٦٦.

لاری, گودرزی, نهضـــت, حســـنی, خواجه, جلیل نواز نوین. (۱٤۰۱). مدیریت خرید تجهیزات پزشـــکی و کاربرد آن در آموزش و درمان در کشورهای منتخب: مطالعه مروری. *طب و تزکیه*, ۳۰(۱), ۱٤-۱.

Flechsig, C., Anslinger, F., & Lasch, R. (2022). Robotic Process Automation in purchasing and supply management: A multiple case study on potentials, barriers, and implementation. Journal of Purchasing and Supply Management, 28(1), 100718.

Gholizadeh, M. H., & Kohanrooz, A. (2023). Operational budgeting requirements in Iran's higher education system. Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education, 21(1), 39-59.

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-09-18]

He, W., & Zhan, Q. (2018). The Impact of Operational Budgeting on Purchasing Performance: Empirical Evidence from Manufacturing Firms. International Journal of Production Economics, 197, 112-121.

Johnson, F., Leenders, M. R., & Flynn, A. E. (2021). Purchasing and supply management. McGraw-Hill Companies, Inc.

Monczka, R. M., Handfield, R. B., Giunipero, L. C., & Patterson, J. L. (2021). *Purchasing & supply chain management*. Cengage Learning.

Wu, Y., Choi, T. M., & Cheng, T. C. E. (2015). Operational Budgeting and Purchasing Performance: The Role of Information Sharing and Supplier Integration. Journal of Operations Management, 36, 114-125.

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-09-18]

The Role of Operational Budgeting in Improving Purchasing Management in Organizations

Amir Ziaee Najafabadi[1]

Abstract:
The purpose of this article is to investigate the role of operational budgeting in improving purchasing management in organizations. Today, operational budgeting in organizations plays an important role in improving purchasing management and creating efficiency in the purchasing process. Operational budgeting allows organizations to strategically allocate financial resources and design their purchasing plans based on strategic goals and operational needs. In addition to reducing financial losses, this management approach also improves efficiency and productivity in the purchasing process. Operational budgeting helps organizations to plan more accurately in the purchase and supply of materials and services. By allocating a specific amount to each part of the purchasing operation, organizations can more accurately determine which items are of higher priority and which require more resources. Therefore, operational budgeting can improve the purchasing decision-making process as well as productivity. Therefore, due to the importance of the role of operational budgeting in improving purchasing management in organizations, this issue was addressed and at the end of the article, practical suggestions were presented in relation to the issue.

Keywords: Operational Budgeting, Management Improvement, Organization, Purchasing Management

1- M.A student in Public Management Department, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran (surena.zz14@gmail.com)

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-09-18]